

حضور ارتش آرام بخش دلها در روزهای بحرانی



سرهنک شریف

فرماندهان روزهای نخست جنگ تحمیلی

ارتش در بیست ماه اول انقلاب شدیداً در کردستان درگیر بود و با وجود تحریم‌ها و کمبودها با ۱۵ گروه مسلح غیرقانونی که بشدت از طریق عراق پشتیبانی می شدند مردانه می جنگید و روزانه ده‌ها شهید و اسیر و زخمی داشت که اغلب داوطلبانه برای دفاع از انقلاب و مرز و بوم خود به میدان نبرد رفته بودند؛ در چنین شرایطی تحریکات مرزی شدت گرفت و شیور جنگ از طرف حکومت بعث عراق به صدا در آمد. لشکر ۹۲ رزهی اهواز که به تنهایی قادر به رویارویی و دفع ارتش های بزرگتر و قویتر از عراق بود پیش از آغاز جنگ بر اثر مداخلات بی جای دوستان وتوطئه دشمنان و نفوذ و خرابکاری گروهک‌ها بیش از نیمی از آمادگی و توان رزمی خود را از دست داده بود؛ در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ در حالی که با هجوم سیل آسا و سراسری دشمن روبه رو گردید و با وجود زخم‌های بسیاری که بر تن داشت محکم ایستاد و آنچنان مقاومت کرد که رؤیای قادسیه صدام «برای تصرف خوزستان و در هم شکستن انقلاب اسلامی» ناکام ماند و روز پنجم مهر آتش بس سازمان ملل را یکطرفه قبول کرد که به دلیل حضور در داخل خاک ایران مورد قبول مقامات کشورمان قرار نگرفت.

ارتش ایران به سرعت بر تثبیت دشمن توفیق یافت و در نبردهای پی‌درپی موفقیت‌های بزرگ تاریخی کسب کرد که یکی از آنها مقاومت با شکوه خرمشهر و پیروزی بزرگ ذوالفقاری در دو ماه اول جنگ بود که حماسه آن جودان گشت.

از ۱۵ روز مانده به جنگ دولشکر عراقی خرمشهر را در محاصره داشتند و گردان دژ و سپاه پاسداران به فرماندهی محمد جهان آر در مقابل آنان ایستاده بودند و مردانه می جنگیدند و ۷۰ درصد از نیروهایشان را از دست داده بودند. روز دهم مهر مردم شهر از زن و مرد و پیر و جوان با در دست داشتن کوکتل مولوتوف همراه با بقایای گردان دژ، سپاهیان جان بر کف، تکاوران دریایی، فداییان اسلام به فرماندهی سید مجتبی هاشمی، دانشجویان داوطلب دانشکده افسری، عناصری از ژاندارمری توانستند تک‌های متعدد عراق را در پشت دیوارهای خرمشهر متوقف کنند و در یک حرکت غافلگیرانه ۴۳ دستگاه تانک و نفربر دشمن را به آتش بکشند و بقیه را تا مرز شلمچه تعقیب کنند. من در آن روز در مسجد جامع خرمشهر شاهد فداکاری های مردم و نیروهای مسلح بودم و شهید حسن آقارب پرست نیز از روز مقدم‌هم به من پیوست. شب و روز در جنگ بودیم و خواب آرام نداشتیم. شیخ شریف قنوتی روحانی شجاع رابط ما و پایگاه‌های خط مقدم بود. به کمک جوانان رزمنده امنیت شهر را برقرار و ادارات را فعال کردیم تا شاید بتوانیم گمرک را که بر از خودرو و کالاهای گرانقیمت بود تخلیه کنیم.

دشمن که تصرف خرمشهر را غیر ممکن دید در ۱۹ مهرماه روی کارون در منطقه «مارد اپیل زد تا بتواند به سرعت وارد آبادان شده از بهمن شیربگذرد و به مرز مشترک در ارنود برسد؛ با این خیال خام که خرمشهر و آبادان را یک جاذبیمه خاک خود کند. همان ساعات اولیه گروهی از تکاوران دریایی به فرماندهی ناخدا صدی به مصاف دشمن رفتند و مردانه با آنان در آویختند اما فشار و قدرت آتش دشمن فراتر از توان آنان بود.

روزهای آرامش به سرعت سپری شد و از روز چهاردهم مهر به بعد حملات عراقی‌ها شدت گرفت. روز ۲۴ مهر راهمان به پل خرمشهر بسته شد و در جنگ و پیکار برای شکستن محاصره شریف قنوتی آن روز رخنه فداکار به همراه سربازان نهشتن و سروان‌های شلانی از فرماندهان برجسته و متعهد دانشکده افسری به شهادت رسیدند. محاصره با فداکاری تکاوران دریایی به فرماندهی ناخدا خلیل احمدی شکسته شد و مقاومت ادامه یافت ؛ از روز نوزدهم به بعد دو سوم از نیروهای رزمنده ما در قسمت شرقی خرمشهر جبهه جدیدی در مقابل دشمن گشودند و پیشروی سیل آسای او را به طرف بندر شمشیر با مشکل روبه رو ساختند. خالی شدن خرمشهر از نیروی رزمنده موضوعی بود که ناخواسته اتفاق می افتاد و خطر از دست رفتن شهر را به دنبال داشت.

تا آن زمان سرهنک ظهیرنژاد بر این عقیده بود که نیروی زمینی باید تمامی قدرت خود را برای حفظ دژفول به‌کار گیرد. او می گفت اگر درفول از دست برود نجات خوزستان امری تقریباً محال و هزینه بردار خواهد بود. سرهنک فروزان تصدی ژاندارمری کل کشور را برعهده داشت ،او که نگران پیشروی دشمن در آبادان واز دست رفتن این منطقه حساس و حیاتی بود موفق شد با حمایت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و تیمسار فلاحتی و سماجت بسیار نیرویی در حدود یک گردان پیاده تقویت‌شده از لشکر ۲۱ حمزه دریافت کند و با یک گردان ،ژاندارمری قراقره ارنود را در ۲۷ مهرماه در ماهشهر تشکیل دهد. یک روز بعد ستاد عملیات ارنود در آبادان به فرماندهی سرهنک شکرریز و معاونت سرگرد حسنی سعدی تشکیل گردید.

گردان پیاده ارتش به فرماندهی سرگرد شاهین راد در یکلومتر ۱۷ جاده ماهشهر آبادان سحرگاه روز سوم آبان مصادف با ساعتی که آخرین رزمندگان باقیمانده در خرمشهر تخلیه می‌شدند در نبردی حماسی و نابرابر بر دشمن تاختند و پیشروی او را سد کردند. شاهین راد می‌گوید روز پیش از حمله در اتاق جنگ قراقره هنگام دریافت مأموریت گفتم آیا می‌دانید ما را به رویارویی با یک لشکر قدرتمند عراقی می‌فرستند؟ سرهنک فروزان گفت بله دستان خالی است و چاره‌ای جزاین نداریم که همچون حضرت حسین بن علی (ع) که برای بقای اسلام هست و نیست خود را فدا کرد با این نیروی کم به مصاف دشمن برویم تا بداند که ما در مقابل او حضور داریم و منطقه خالی از نیرو نیست. اگر همه نیروهای ما نیز از دست بروند ما به هدف خود که سد پیشروی سیل آسای دشمن باشد رسیده‌ایم. شاهین راد و نیروهای سلحشور تحت امر او مردانه بر دشمن تاختند و با از دست دادن ۷۰ درصد از افسران، درجه داران و سربازان گردان و معدودی تانک و نفربر موجود روبه تهاجمی دشمن را در هم شکستند و دسترسی او را به بهمنشیر به تأخیر انداختند. از آن پس نیروهای دشمن به دلیل مقاومت پرشکوه مردمی با ترس و تردید به سوی محاصره آبادان پیش می رفتند. شامگاه روز نهم آبان ماه در یک یورش وحشیانه دیگر روی بهمنشیر پل زدند و خود را به محله ذوالفقاری و جاده خسرو آباد رساندند که تا ارنودرد مرز آبی ایران و عراق چند صد متر بیشتر فاصله نداشت.

مدیریت عالی قراقره ارنود ونقش عمده شکرریز و حسنی سعدی در آبادان در آخرین لحظات محاصره کامل منطقه به بار نشست و تک هماهنگ نیروهای مردمی در کنار یک گردان پیاده از لشکر ۷۷ خراسان به فرماندهی سرگرد کهتری که سه چهار روز قبل به قراقره مأمور و به آبادان وارد شده بود در یک عملیات برق آسا پل دشمن را روی بهمنشیر در هم شکست و عراقی‌ها را با تلفات و خسارات سنگین به عقب راند .این پیروزی درخشان که در ۲۰روز آغاز جنگ بی‌سابقه بود به دلیل درگیری‌های بنی صدر آنگونه که شایسته بود به جامعه معرفی نشد و مظلوم ماند اما به عراقی‌ها فهماند که اصرار آنان به ادامه جنگ نتیجه‌ای جز بی‌اس و حرمان در بر نخواهد داشت.

در این عملیات پیروزمانده محمد رضا رحیمی نماینده و ناظر شد و فرماندهی را بر عهده داشتیم. حضور پربرت و سخنان سحرآسای حضرت آیت‌الله جمی امام جمعه آبادان قابیقی پیش از حمله خستگی و نگرانی را از تن فرماندهان زدود و موجی از پیروزی قطعی در وجود همه ما ایجاد کرد. علاوه بر گردان پیاده لشکر ۷۷ خراسان نیروهای عمده مردمی درگیر در عملیات عبارت بودند از: تکاوران دریایی، سپاه خرمشهر به فرماندهی جهان آر، سپاه آبادان به فرماندهی مهندس کیانی، فدائیان اسلام به فرماندهی سید مجتبی هاشمی، نیروهای بومی خرمشهر و آبادان که اغلب آنان از مقاومت خرمشهر تجربه‌های ارزشمندی با خود همراه داشتند.

- دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۹
- سال بیست و ششم
- شماره ۷۴۴۹



سعید مدنی

سردار حسین علایی از فرماندهان عالیرتبه دوران دفاع مقدس در گفت و گو با «ایران»:

کسی حمله سراسری عراق را پیش بینی نمی‌کرد

اسماعیل علوی

دبیر گروه پیداری

سردار حسین علایی از معدود فرماندهان اصلی دوران دفاع مقدس است که پس از جنگ تحمیلی به تبیین دانسته‌ها و تجربیات خود پرداخته و در کتابی با عنوان «روند جنگ ایران و عراق» در دو جلد آنها را در معرض مطالعه و بهره‌برداری عموم قرار داده است. این مجموعه فراتر از تألیف کتابی تجربی درموضوع جنگ ایران وعراق، متنی در ردیف آثار آکادمیک پیرامون جنگ است، آن‌طور که برای مطالعه در تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان کسی بی نیاز از آن نیست. علایی در کتاب خود به موازات تحلیل روند جنگ به مسائل جانبی و حاشیه‌ای نیز توجه نموده و به غنای اثر خود افزوده است؛ یکی از مباحثی که وی در کتاب خود بدان توجه داشته موضوع مدیریت در جنگ است، موضوعی که ما را بر آن داشت تا در ترکیب صفحات ویژه هفته دفاع مقدس با محوریت مدیریت بحران به سראشش برویم وسؤال هایمان را در این ارتباط با ایشان در میان بگذاریم. سردار علایی در پاسخ به پرسش‌های ما راه میانه‌ای را پیموده و بدون متوجه کردن انگشت اتهام به سوی فرد یا سازمانی خاص، شرایط را به گونه‌ای ارزیابی می‌کند که غافلگیری را نتیجه حتمی آن به شمار می‌آورد.

■ **بحران جنگ در ماه‌های اولیه چگونه و با چه الگویی مدیریت‌شد؟**
جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مهمترین بحران ایران طی دو قرن گذشته بوده است. جمهوری اسلامی ایران آشنایان فرماندهان برجسته و متعهد حدود یک سال و هفت ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عراق به ناگهان جنگ گسترده‌ای را علیه همسایه بزرگ خود آغاز و فرودگاه‌های ایران را بمباران کند و ارتش بعثی را راهی اشغال سرزمین‌های ایران نماید. ایران هم آمادگی مقابله با یک جنگ تمام‌عیار را نداشت با وجود این خود را نیاخت و بلافاصله آماده دفاع شد. خط مشی و سیاستی را که امام خمینی (ره) بلافاصله پس از تهاجم نظامی عراق اتخاذ کرد عبارت بود از: ۱- «اترسیدن» از وقوع جنگ و حفظ خسورسی ۲- «بسیج» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و تیمسار فلاحتی و سماجت بسیار نیرویی در حدود یک گردان پیاده تقویت‌شده از لشکر ۲۱ حمزه دریافت کند و با یک گردان ،ژاندارمری قراقره ارنود را در ۲۷ مهرماه در ماهشهر تشکیل دهد. یک روز بعد ستاد عملیات ارنود در آبادان به فرماندهی سرهنک شکرریز و معاونت سرگرد حسنی سعدی تشکیل گردید.

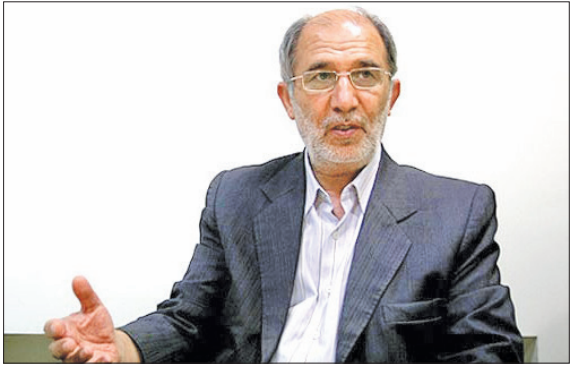
گردان پیاده ارتش به فرماندهی سرگرد شاهین راد در یکلومتر ۱۷ جاده ماهشهر آبادان سحرگاه روز سوم آبان مصادف با ساعتی که آخرین رزمندگان باقیمانده در خرمشهر تخلیه می‌شدند در نبردی حماسی و نابرابر بر دشمن تاختند و پیشروی او را سد کردند. شاهین راد می‌گوید روز پیش از حمله در اتاق جنگ قراقره هنگام دریافت مأموریت گفتم آیا می‌دانید ما را به رویارویی با یک لشکر قدرتمند عراقی می‌فرستند؟ سرهنک فروزان گفت بله دستان خالی است و چاره‌ای جزاین نداریم که همچون حضرت حسین بن علی (ع) که برای بقای اسلام هست و نیست خود را فدا کرد با این نیروی کم به مصاف دشمن برویم تا بداند که ما در مقابل او حضور داریم و منطقه خالی از نیرو نیست. اگر همه نیروهای ما نیز از دست بروند ما به هدف خود که سد پیشروی سیل آسای دشمن باشد رسیده‌ایم. شاهین راد و نیروهای سلحشور تحت امر او مردانه بر دشمن تاختند و با از دست دادن ۷۰ درصد از افسران، درجه داران و سربازان گردان و معدودی تانک و نفربر موجود روبه تهاجمی دشمن را در هم شکستند و دسترسی او را به بهمنشیر به تأخیر انداختند. از آن پس نیروهای دشمن به دلیل مقاومت پرشکوه مردمی با ترس و تردید به سوی محاصره آبادان پیش می رفتند. شامگاه روز نهم آبان ماه در یک یورش وحشیانه دیگر روی بهمنشیر پل زدند و خود را به محله ذوالفقاری و جاده خسرو آباد رساندند که تا ارنودرد مرز آبی ایران و عراق چند صد متر بیشتر فاصله نداشت.

مدیریت عالی قراقره ارنود ونقش عمده شکرریز و حسنی سعدی در آبادان در آخرین لحظات محاصره کامل منطقه به بار نشست و تک هماهنگ نیروهای مردمی در کنار یک گردان پیاده از لشکر ۷۷ خراسان به فرماندهی سرگرد کهتری که سه چهار روز قبل به قراقره مأمور و به آبادان وارد شده بود در یک عملیات برق آسا پل دشمن را روی بهمنشیر در هم شکست و عراقی‌ها را با تلفات و خسارات سنگین به عقب راند .این پیروزی درخشان که در ۲۰روز آغاز جنگ بی‌سابقه بود به دلیل درگیری‌های بنی صدر آنگونه که شایسته بود به جامعه معرفی نشد و مظلوم ماند اما به عراقی‌ها فهماند که اصرار آنان به ادامه جنگ نتیجه‌ای جز بی‌اس و حرمان در بر نخواهد داشت. در این عملیات پیروزمانده محمد رضا رحیمی نماینده و ناظر شد و فرماندهی را بر عهده داشتیم. حضور پربرت و سخنان سحرآسای حضرت آیت‌الله جمی امام جمعه آبادان قابیقی پیش از حمله خستگی و نگرانی را از تن فرماندهان زدود و موجی از پیروزی قطعی در وجود همه ما ایجاد کرد. علاوه بر گردان پیاده لشکر ۷۷ خراسان نیروهای عمده مردمی درگیر در عملیات عبارت بودند از: تکاوران دریایی، سپاه خرمشهر به فرماندهی جهان آر، سپاه آبادان به فرماندهی مهندس کیانی، فدائیان اسلام به فرماندهی سید مجتبی هاشمی، نیروهای بومی خرمشهر و آبادان که اغلب آنان از مقاومت خرمشهر تجربه‌های ارزشمندی با خود همراه داشتند.

مسلح ایران در این دوره با کمک مردم داوطلب موفق شدند عمده قوای دشمن را از خاک ایران بیرون برانند و ارتش متجاوز را شکست سختی بدهند. در این دوره رقابت مثبت و همکاری کامل بین ارتش و سپاه چهار ماه اول جنگ، چهار عملیات مهم توسط ارتش طرح‌ریزی و به مرحله اجرا درآمد. عملیات اول با محوریت لشکر ۲۱ حمزه در روز ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹ در منطقه پل نادری در غرب دزفول انجام شد، عملیات دوم در روز سوم آبان ماه ۱۳۵۹ در جاده ماهشهر- آبادان با محوریت واحدهایی از لشکر ۷۷ انجام شد، عملیات سوم به اسم نصر با محوریت لشکر ۱۶ رزهی در تاریخ ۱۵ دی ماه ۱۳۵۹ در جنوب هویزه انجام شد و عملیات چهارم هم به اسم توکل در ۲۰ دی ماه ۱۳۵۹ به منظور شکستن حصر آبادان با مأموریت گروه رزمی رزهی ۳۷ شیراز انجام شد. در تمامی این عملیات تعدادی از رزمندگان سپاه پاسداران نیز با فرماندهی ارتش حضور داشتند. اما هیچ‌یک به نتایج مورد نظر نرسیدند، اما از اواخر سال اول جنگ که سازمان رزمی سپاه شکل

■ **براین مبنا از چه مقطعی سپاه و ارتش وارد مرحله عملیات مستقل شدند؟**

تا آخ سال ۱۳۶۳ سپاه و ارتش با هم و به صورت مشترک در عملیات مختلف شرکت داشتند. اما از عملیات رمضان تا پایان عملیات بدر، جنگ به صورت فراسیاهی درآمد و ایران نتوانست پیروزی‌های بزرگی مثل آزادسازی خرمشهر را تکرار کند. در این دوره اختلاف نظرهای عملیاتی و تاکتیکی بین سپاه و ارتش افزایش یافت و بنابراین



در دوره‌ای که از روز پنجم مهرماه ۱۳۶۰ شروع شد و تا روز آزادسازی خرمشهر در سوم خرداد ماه ۱۳۶۱ ادامه یافت، عملیات «ثامن الائمه»، «طریق القدس»، «فتح المبین» و «بیت المقدس» انجام شد. در این دوره پیروزی‌های بزرگ ایران به دست آمد. این ۸ ماه موفق‌ترین ایام دوره جنگ تحمیلی است، زیرا قوای ایران توانستند با ابتکار عمل بر ارتش عراق فائق آیند

گرفت و با حضور گسترده رزمندگان داوطلب بسیجی گسترش یافت، قدرت رزمی نیروهای پیاده سپاه توان بیشتری از ارتش در جبهه‌ها یافتند. از این زمان و با کنار گذاشتن بنی صدر از فرماندهی کل قوا همکاری سپاه و ارتش افزایش یافت و سپاه و ارتش به صورت مکمل یکدیگر عمل کردند. پس از عملیات ثامن الائمه که حصر آبادان شکسته شد، ارتش و سپاه سعی می‌کردند طرح‌های یکدیگر را با هم هماهنگ کنند و با طرح واحدی از طریق قراقره مشترک فرماندهی، عملیات‌های برنامه‌ریزی شده برای بیرون راندن ارتش متجاوز عراق از خاک ایران را انجام دهند. برای عملیات فتح‌المبین قراقره فرماندهی مشترک ارتش و سپاه به اسم کربلا به‌وجود آمد و دستورهای عملیاتی با امضای مشترک فرمانده کل سپاه و فرمانده نیروی زمینی ارتش به یگان‌های ارتش و سپاه ابلاغ می‌گردید و مشترکاً به مرحله اجرا می‌آمد.

در این دوره که از روز پنجم مهرماه ۱۳۶۰ شروع شد و تا روز آزادسازی خرمشهر در سوم خرداد ماه ۱۳۶۱ ادامه یافت، عملیات «ثامن الائمه»، «طریق القدس»، «فتح المبین» و «بیت المقدس» انجام شد. در این دوره پیروزی‌های بزرگ ایران به دست آمد. این ۸ ماه موفق‌ترین ایام دوره جنگ تحمیلی است، زیرا قوای ایران توانستند با ابتکار عمل بر ارتش عراق فائق آیند. نیروهای

خویش به مرحله اجرا در آورد ولی قرین موفقیت نبود.

■ **سپاه چه نسبتی با جنگ کلاسیک داشته و از چه زمانی و بر اثر کدام ضرورت دارای قوای سه‌گانه دریایی، زمینی و هوایی شد؟**

در طول جنگ ۸ ساله به طور مرتب بر توان رزمی ارتش عراق افزوده می‌شد. جنگ عراق با ایران یک جنگ کاملاً کلاسیک و با به‌کارگیری ارتش و قوای منظم بود. بنابراین برای مقابله با این ارتش نیاز به داشتن نیروهای زمینی، هوایی و دریایی بود. از روزی که جنگ شروع شد به تدریج بر تعداد یگان‌های ارتش عراق افزوده می‌شد. ارتش عراق نیز تجهیزات سنگین جنگی زیادی مثل تانک، توپ، نفربر، سپاه، بالگرد و موشک از کشورهای مختلف خریداری می‌کرد. کشورهای شوروی، فرانسه، چین و یوگسلاوی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان تسلیحات برای عراق بودند. عراق توانست با خرید انواع هواپیماهای جنگی مثل میراژ یک نیروی هوایی اروپایی را علاوه بر دارا بودن یک نیروی هوایی روسی برای تداوم جنگ راه‌اندازی کند. صدام مصمم بود که در این جنگ پیروز شود و کشورهایی مانند عربستان و امارات و کویت هم به او کمک مالی گسترده می‌کردند. آمریکا، مصر و اردن هم به صدام کمک سیاسی، تبلیغاتی و اطلاعاتی می‌کردند. بنابراین برای مقابله با چنین ارتش مجهزی بایستی بر قدرت نظامی ایران نیز افزوده می‌شد. دست ارتش جمهوری اسلامی ایران برای افزایش توان رزمی خود باز بود. اما ایران قادر به خرید گسترده جنگ‌افزارهای سنگین از کشورهای خارجی نبود. بنابراین جمهوری اسلامی ایران ای بایستی توان رزمی خود را با تکیه بر ظرفیت ملی و توانایی‌های دولت و مردم افزایش می‌داد. مهم‌ترین عامل برتری رزمی ایران در جبهه‌ها، برخورداری از نیروهای داوطلب مردمی بود که حضور آنها در تمامی عملیات تعیین‌کننده بود. سپاه توانست با کمک همین بسیجی‌های داوطلب به سرعت توان رزمی عملیاتی خود در جبهه‌های زمینی را به عنوان ستون فقرات قدرت نظامی ایران شکل دهد و برای امنیت خلیج فارس و نیز افزایش توان موشکی کشور در مقابل موشکباران شهرها از سوی عراق برنامه‌ریزی کند. لذا امام خمینی (ره) به این گسترش توان رزمی در روز ۲۶ شهریورماه سال ۱۳۶۴ رسامیت بخشیدند و طی حکمی به فرمانده سپاه دستور دادند تا به سرعت سپاه به نیروهای زمینی، دریایی و هوایی قوی مجهز شود. تشکیل نیروهای سه گانه سپاه قدرت مقاومت ملی را افزایش داد و بر توان رزمی ایران در دفاع افزود. ■ **آیا کشور با هجوم عراق غافلگیر شد یا خبر؟ در هر دو صورت مثبت و منفی بودن نظر خود، دلایل تان را بفرمایید.**

ایران تصور نمی‌کرد که عراق یک جنگ همه جانبه زمینی، دریایی و هوایی را علیه کشور شروع کند. البته احتمال درگیری‌های مرزی بین دو کشور می‌رفت ولی سرازیر شدن واحدهای ارتش عراق به داخل خاک ایران و برنامه صدام برای اشغال بخش‌هایی از سرزمین ایران، غیرقابل باور بود. به همین دلیل بود که گرچه شواهد و قرآنتی از حمله عراق در مرزها مشاهده می‌شد اما ایران:

الف- به استانداری‌ها و شهرهای نوار مرزی آماده‌باش نداد و آنها در روز ۳۱ شهریور حالت فوق‌العاده نداشتند. به همین دلیل بود که گمرک خرمشهر تخلیه نشده بود. کشتی‌های تجاری در ارنودرد حضور داشتند، مردم از حاشیه مرز تخلیه نشده بودند و جلودی رفت و آمدها در شهرها و روستاهای حاشیه مرز گرفته نشده بود.

ب- اکثر واحدهای ارتش در پادگان‌های خود بودند و در مرز آرایش دفاعی نگرفته بودند. پس از شروع جنگ لشکرهایی مانند ۲۱ حمزه، ۱۶ رزهی قزوین، ۷۷ خراسان و ۸۸ رزهی زاهدان و تیپ‌هایی مانند نوه‌د ذوالفقار عازم جبهه‌ها شدند و حدود ۶ ماه طول کشید تا به تدریج تمامی واحدهای رزمی ارتش عازم جبهه‌ها شوند.

ج- سامانه‌های دفاعی موشک‌های هاوک در تهران و در اطراف پایگاه‌های هوایی ایران فعال نبودند. به همین دلیل بود که با راحتی ۹۲ جنگنده عراقی وارد آسمان ایران شدند و اکثر فرودگاه‌ها و پایگاه‌های نیروی هوایی ارتش را بمباران کردند و تقریباً سالم به پایگاه‌های خود در عراق بازگشتند.

د- ایران هیچ هشدار رسمی به شورای امنیت سازمان ملل و سایر مراجع بین‌المللی برای قصد عراق جهت تهاجم به ایران نداده بود و هیچ نوع فعالیت دیپلماتیکی برای جلوگیری از وقوع جنگ صورت نگرفت. ه- سپاه پاسداران نیز در آماده باش کامل بسر نمی‌برد و حتی بسیاری از فرماندهان سپاه استان‌ها و شهرستان‌ها پس از حمله عراق متوجه وقوع جنگ شدند. من قبل از شروع جنگ فرمانده سپاه آرای هاشمی مقدس بودم. در روز وقوع جنگ، آقای هاشمی میرحسین موسوی که آن زمان سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی و عضو شورای انقلاب بود، قرار بود برای انجام یک سخنرانی به دانشگاه تبریز بیاید. من به همراه یکی از دوستان برای استقبال از ایشان به فرودگاه تبریز رفته بودم که چهار میگ عراقی به فرودگاه تبریز حمله کردند. بنابراین کسی احتمال حمله عراق را نمی‌داد.